ولادیمیر ایلیچ لنین

گردآوری: الف. آناهیتا

ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر پرولتاریای جهان و ادامه دهندهٔ راه مارکس و انگلس، در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ میلادی در سیمبریسک واقع در کنار رود ولگا زاده شد. در سال ۱۸۸۷ میلادی به دانشکدهٔ حقوق دانشگاه قازان وارد شد. برادر بزرگ او الکساندر در مارس ۱۸۷۷ میلادی به اتهام شرکت در ترور تزار روس اعدام شد. در همین سال لنین، به خاطر فعالیتهای سیاسی از دانشگاه اخراج و از قازان تبعید شد. نخستین اثر مهم او "دوستان مردم کیانند" در سال ۱۸۹٤، ورشکستگی تئوری و تاکتیکهای سوسیال دموکراتها را آشکار ساخت. لنین در سال ۱۸۹۵ موفق شد گروههای مارکسیستی سن پترزبورگ را متحد کند و لنین برای بار دوم دستگیر و به سیبری تبعید شد. در سال ۱۹۰۰ به خارج از روسیه مهاجرت کرد و در آنجا نخستین روزنامهٔ مارکسیستی سراسر روسیه را به نام" ایسگرا" منتشر کرد. در سال ۱۹۰۳ حزب مارکسیستی بلشویک به رهبری لنین پدید آمد و مبارزهٔ قاطع خود را برای سرنگونی تزاریسم آغاز کرد. مبارزات عملی لنین، از انقلاب بورژوا دموکراتیک ۱۹۰۵، انقلاب بورژوا دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷ تا انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ ادامه پیدا کرد. لنین در اثر معروفش "امپریالیسم بالاترین مرحلهٔ سرمایه داری"، تحلیل شیوهٔ تولید سرمایه داری را که مارکس در اثر معروف خود "کاپیتال"انجام داده بود و قوانین حاکم بر اقتصاد و تحولات سیاسی را در درون امپریالیسم کشف کرد. لنین نشان داد که مارکسیسم آموزشی است خلاق و انقلابی، این آموزش آیین نیست و از اصول جامد نشأت نمی گیرد و ریشه در واقعیتهای زندگی دارد و راهنمای عمل است. این سخن تاریخی لنین همواره در گوش ما طنین افکن است که: "آئین فکری ما یک دگم نیست بلکه راهنمای عمل است". لنین می‌گوید: "مارکس و انگلس حق اسلوبی را که عبارت است از شیوهٔ از بر کردن و تکرار فرمولهایی که فوقش می تواند هدفهای "عام" را معین کند یعنی هدفهائی که شرایط اقتصادی و سیاسی مشخص در هر مرحلهٔ تاریخ آنها را عوض می کند را، به باد استهزا گرفته اند... کلیات آثار لنین جلد ۲٤،ص ۳۳. لنین در اثر معروف خود "بیماری کودکی، چپ گرائی، در کمونیسم"که طی ماههای آوریل و مه سال ۱۹۲۰ در آستان گشایش اولین کنگرهٔ انترناسیونال کمونیستی نگارش یافت دو خطر بزرگ که نخستین آن سرشت اپورتونیستی و دومین آن که از بی تجربگی و نارسائی تئوریک کمونیستهای جوان ناشی می شد یعنی "چپ گرائی"، دگماتیسم و سکتاریسم" را مورد بررسی قرار می‌دهد "سیاستمدارانی که بخواهد برای پرولتاریای انقلابی سودمند باشد باید بتوانند موارد مشخص سازشهای غیر مجازی را که نماینگر اپورتونیسم و خیانت پیشگی هستند بدرستی تمیز دهد و تمام نیروی انتقاد و لبهٔ تیز افشاگری بی امان و پیکارهای آشتی ناپذیر خود را علیه این سازش های مشخص متوجه سازد...باید توانست اوضاع و احوال مشخص مربوط به هر سازشی یا هر یک از انواع سازشها را بدقت مورد تحلیل قرار داد و کسی که که بخواهد برای کارگران نسخه ای اختراع کند که برای تمام مراحل زندگی راه حل هائی از پیش حاضر و آماده عرضه دارد و تضمین دهد که در سیاست پرولتاریای انقلابی هیچگونه دشواری نیست، او را باید صاف و ساده شیاد نامید.ص۱۵". بشریت مترقی، از زمان لنین دوران پر تحولی را پشت سر گذاشته و در این تحولات لنین و آموزش وی "لنینیسم" نقشی عظیمی ایفا کرده است. انقلاب کبیر اکتبر که "لنین"در آن نقش بسزائی داشت، نوید بخش این حقیقت شد که سرنوشت بشری محتوم به سرمایه داری، استثمار و فقر نیست بنابراین نام جاودان لنین در قلب و افکار تمام انسانهائیست که برای استقرار جامعه ای مبرا از هرگونه استثمار اقتصادی، سرکوب سیاسی و ستم اجتماعی، ملی" نژادی و جنسی تلاش می کنند، زنده است.

بر اساس مانیفست حزب کمونیست مارکس و انگلس، تاریخ همهٔ جوامع تا این زمان تاریخ مبارزهٔ طبقاتی بوده است و ستمکش و ستمگر همواره با هم تضادی آشتی ناپذیر داشته و به پیکار نهان و گاه آشکار با هم پرداخته اند و این پیکار همیشه یا به نوسازی انقلابی سراپای جامعه و یا به نابودی هر دو طبقه پیکارگر طبقاتی انجامیده اند، جامعهٔ امروزین سرمایه داری که از بطن جامعه نابود شدهٔ فئودالی برخاسته، تضادهای طبقاتی را بر نیانداخته بلکه فقط طبقات تازه، شرایط تازهٔ ستمگری و اشکال تازه مبارزه را جایگزین کهنه ها ساخته است و لنین با آموزش خود نشان می دهد که این استثماگران هستند که مردم را به فقر و بی حقوقی محکوم ساخته اند و مانع رشد کارگران و دیگر زحمتکشان در جامعه هستند.."سرمایه داران مدعی هستند که زحمتکشان بدون آنان نمی توانند به زندگی خود ادامه دهند ...آنان خود را مجری برقراری نظم می دانند و می گویند اگر ما نباشیم دولت از بین می رود ..این سخنان نمی تواند کارگران را گیج کند ..کارگران آگاه توانسته اند با تکیه بر آگاهی، وفاداری یک ارتش سرخ با انظباتی آهنین درست کنند.. کارگران و دهقانان باید نشان دهند و نشان خواهند داد که با کار وتلاش سعادت عموم را تضمین کنند... اتحاد کارگران چیزیست که برای همیشه آنان را از ستم مالکان و سرمایه داران رها خواهد ساخت. تاریخ به ما می آموزد که هیچ طبقهٔ ستمدیده ای، بی آنکه از یک دورهٔ دیکتاتوری یعنی تصرف قدرت سیاسی و سرکوبگری قهر آمیز مقاومتی که استعمارگران همواره از خود نشان می دهند، مقاومتی که سرسختانه ترین و خشمگینانه ترین است..قدرت سیاسی را به دست نیاورده و نتوانسته است به دست بیاورد. مجموعه سخنرنانیهای لنین".

لنین از همان ابتدای تشکیل اولین دولت شوراها بعد از پیروزی انقلاب اکتبر تلاش کرد تا این پیروزی را حفظ و توسعه بخشد و مردم را در شرکت کردن در شوراها فرا می خواند و اعتقاد داشت که سوسیالیسم از بالا محیا نمی شود.

لنین می گوید: "ذات حکومت شورائی در این است که شالودهٔ دائمی و یگانه قدرت دولت و تمام دستگاه دولتی را سازمان توده ای طبقات تحت ستم سرمایه داری یعنی کارگری و نیمه پرولترها تشکیل می دهد... سازمان شورایی دولت، با نقش رهبری پرولتاریا بعنوان طبقه ای که بیش از همهٔ طبقات بدست سرمایه داری متمرکز و آگاه شده است، متناسب است..همین مردمی که حتی در دموکراتیک ترین جمهوریهای بورژوائی، ضمن داشتن حقوق برابر بر طبق قانون، راه مشارکتشان در زندگی سیاسی و برخورداری دموکراتیک به هزاران حقه و حیله بسته شده است، اکنون به مشارکت پیوسته و پایدار و تعیین کننده در ادارهٔ دموکراتیک دولت جلب می شوند..هنگامیکه میلیونها زحمتکش متحد میشوند و از بهترین افراد طبقهٔ خود پیروی می کنند پیروزی تآمین است. مجموعه سخنرانیهای لنین ص ۱۸"

وی در آوریل ۱۹۱۷ توضیح میدهد که قدرت شورائی باعث می شود که استثمار شوندگان فرصت یابند تا زمام امور اقتصاد و تولید را در دست گیرند و همین شوراها قدرت دولتی را در دست دارند ...وی تآکید میکرد که با هر مشکلی که بوجود آید، با توجه به خطرات و ترفندهای دشمنان، قدرت شورائی به صورت اجتناب نا پذیر در تمام جهان به تحقق خواهد رسید و راه را برای سوسیالیسم هموار خواهد کرد و این راه توسط زحمتکشان به دست آمده بنابرین واقعیست.

<u>دیدگاهای لنین پیرامون مسائل زنان</u>

لنین به نقش زنان در امور اجتماعی اعتقاد دارد و تاکید می کند که" باید بدون استثنا، همهٔ مقرراتی که هدفشان محدود ساختن حقوق سیاسی زنان در مقایسه با حقوق مردان است برانداخته شوند .. و با استفاده از دستاوردهای دموکراتیک و همزمان با بیان نقصهای آن و نظام سرمایه داری به این تبیعضات و فقر مردم پایان داد..تا آن زمان که زنها فرا خوانده نشوند که مستقیماً در زندگی سیاسی شرکت نمایند و نه تنها بر روی کاغذ!! بلکه در عمل زنان از حقوق مساوی با مردان برخوردار نشوند از سوسیالیسم و دموکراسی واقعی خبری نیست ... تا آن زمان که زن از بند امتیازاتی که قانون به مرد داده است رها

نشود، تا این که کارگر از یوغ کار مزدوری رها نشود، "برابری"هرگز به دست نمی آید. یک انقلاب بدون نیروی زنان به وقوع نمی پیوندد، به پیش همگام با زنان در یک جنبش کمونیستی . گرفته شده از متن سوئدی: ما کمونیتستها هرگز بهترین نیمهٔ خودمان را فراموش نمی کنیم".

"لنین در سخنرانی که در سال ۳۰ آگوست ۱۹۱۸ انجام داد در پایان دومین مرحلهٔ سخنرانی خود از طرف شخصی به نام fanja Kaplan که از سازمان ضدانقلابی اس.ار بود مورد اصابت سه گلوله قرار گرفت. یک گلوله به دست چپ لنین و گلولهٔ دیگر از گلوی وی گذشت. لنین به دلیل داشتن وضع فیزیکی بسیار خوب توانست بسرعت سلامتی خود را باز یابد اما در اواخر سال ۱۹۲۱ به دلیل زیاد کار کردن دچار بیماری تصلب شرائن شد و در اوایل سال ۱۹۲۲ به ضعف اعصاب مبتلا شد و شدیداً احساس خستگی فیزیکی و روحی می کرد و سردردهایی مداوم داشت تا اینکه پزشکان تشخیص دادند که لنین مبتلا به مسمومیت مزمن ناشی از سرب گلوله هائی که به گلولیش اصابت کرده بودند، شده است و ابتدا تصمیم گرفتند او را جراحی کنند اما در خاتمه با توافق لنین به این نتیجه رسیدند که مقدار باقی مانده از گلوله در گلویش بخودی خود برطرف خواهد شد. می سال ۱۹۲۲، اولین سکته لنین را از پا و دست راست فلج کرد اما او به کارهای خود به سختی ادامه می داد تا اینکه اخرین سخنرانی خود را در ۲۰، نوامبر همان سال انجام داد و بعد از آن در ۱۳ دسامبر همان سال دومین سکته، او را مجبور به کار در آپارتمان محل سکونت خو کرد و سکتهٔ قلبی در ۲۲، دسامبر او را از دست راست نیز فلج کرد، قسمتی از مغز او هرگز سلامتی خود را به دست نیاورد. همهٔ مردم لنین را مانند یکی از اعضای خانوادهٔ خود دوست داشتند و بدین ترتیب نگران سلامتی وی بودند. سرانجام رهبر کبیر پرولتاریا، ساعت ۱۸ روز ۲۱ ژانویهٔ سال ۱۹۲٤ دچار سکته ای دیگر شد و کمتر از یک ساعت بعد از این سکته در حالت اغما دیده از جهان فرو بست.در مدتی که در خانه بود همسرش Nadja Krupskaja به او کمک کرد تا نوشته های خود را در سال ۱۹۲۳ بنویسد. گرفته شده از متن سوئدی: بیوگرافی لنین".

لنین در سراسر حیات خود برای استقرار صلح، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم بر علیه ارتجاع و امپریالیسم مبارزه کرد و امروز یاد لنین در خاطرهٔ همهٔ کسانی که بر علیه جنایتها، فقر و جنگهائی که نظام سرمایه داری بنا کرده است، مبارزه می کنند و پرچم مبارزهٔ قهرمانانهٔ او را بالانگه داشته اند، زنده است. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.